

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جلسه دهم

عبادت و اطاعت انحصاری خدا

همان طوری که عرض کردیم بحث توحید در قرآن یک بحث بسیار طولانی و مفصلی است. می‌توان گفت که طولانی‌ترین و مفصل‌ترین بحثی که در سراسر قرآن انجام گرفته، بحث توحید است. یعنی حتی بحث نبوت با همه دور و درازی‌اش، با همه آن که داستان‌ها و قضایای پیامبران به عنوان عبرت‌آموزی نقل شده در مواردی، باز تکیه‌ای که روی توحید و مسئله وجود خدا و مخصوصاً مسئله نفی شرک به صورت‌های گوناگونش، تکیه‌ای که روی این مسئله انجام گرفته در قرآن، به کلی بی‌مثل و بی‌مانند است، هم از لحاظ لحن سخن، هم از لحاظ تعداد آیات.

سخن در این است که توحید اگر قرار شد که یک عقیده‌ای باشد که به دنبال خود تعهدی را و مسئولیتی را و تکلیفی را برای معتقد به این عقیده به ارمغان می‌آورد؛ پس باید فهمید، دانست که این مسئولیت و این تعهد و این تکلیف‌ها چیست بالاخره؟ آیا این تعهد در همین خلاصه می‌شود که ما به زبان یا به دل و به فکر این عقیده را بپذیریم؟ یعنی خود اعتقاد یک مسئولیتی است؟ یا از منطقه فکر و دل بیرون‌تر می‌آید حد و قلمرو این مسئولیت، اما در اعمال شخصی. مثلاً موحد یک سلسله تکالیفی را به مقتضای توحید بر دوش خود دارد. از جمله این که نماز بخواند، از جمله این که نام خدا را در آغاز و انجام هر کاری بیاورد. از جمله این که مثلاً فرض کنید که گوسفند را، ذبیحه را، جز به نام خدا نکشد و از این قبیل. در همین حد خلاصه می‌شود؟ یا نه، تعهدی که توحید به فرد موحد یا به جامعه موحد می‌دهد از حد فرمان‌های شخصی و تکالیف فردی بالاتر است؟

تعهدی که توحید به یک جامعه موحد می‌دهد شامل مهم‌ترین، کلی‌ترین، بزرگ‌ترین، اولی‌ترین، اساسی‌ترین، مسائل یک جامعه است، مثل چی؟ مثل حکومت، مثل اقتصاد، مثل روابط بین‌الملل، مثل روابط افراد با یکدیگر که این‌ها مهم‌ترین حقوق اساسی است از برای اداره و زندگی یک جامعه.

ما معتقدیم که تعهد توحید و مسئولیتی که بار دوش موحد می‌شود، مسئولیتی است در حد تکالیف اساسی و حقوق اساسی یک جامعه. در یک کلمه قیافه و اندام جامعه توحیدی با قیافه و اندام جامعه غیر توحیدی متفاوت است. این جور نیست که اگر در یک جامعه توحیدی یک قانونی اجرا می‌شود آن قانون یا ده تا مثل آن قانون در یک جامعه غیر توحیدی اجرا شد، آن هم توحیدی است؛ نه. قواره جامعه توحیدی، شکل قرار گرفتن اجزای این جامعه، اندام عمومی اجتماعی که بر اساس توحید و یکتاپرستی و یکتاگرایی است، با غیر این چنین جامعه‌ای به کلی متفاوت است.

ما توحید را به صورت یک قطعنامه‌ای که دارای موادی هست عرض می‌کنیم و مواد این قطعنامه را یکی یکی بیان می‌کنیم. قطعنامه توحیدی چه موادی دارد؟ همان طوری که بعد از مذاکرات گوناگونی بین دو گروه، دو جبهه، دو آدم، قراردادهایی لازم‌الاجرا به صورت قطعنامه‌ای صادر می‌شود؛ موحدین عالم هم از طرف پروردگارشان، از طرف خدای توحید ملزمند که این قطعنامه را مورد عمل و اجرا قرار بدهند.

اولین ماده این قطعنامه در این تلاوت امروز بایستی روشن بشود، بنا بر اصل توحید انسان‌ها حق ندارند هیچ کس و هیچ چیز جز خدا را عبودیت و اطاعت کنند. این اصل اول از قطعنامه توحیدی، البته هیچ کس و هیچ چیز که گفتیم دایره‌اش خیلی وسیع است. ببینید عبودیت و اطاعت کجاها صدق می‌کند. شاید یک حدیثی است مکرر در مواردی خوانده بشود؛ الان هم جای خواندن همین حدیث است که از قول امام علیه‌السلام نقل شده است در کتب معتبره ما، از جمله در کافی شریف، "اصول کافی" که امام علیه‌السلام نقل می‌کند به عنوان حدیث قدسی، در چند جمله، در چند عبارت به آنچه که به نظر من مانده، مضمون اجمالی حدیث را بگویم این است که اطاعت آن قدرتی که از سوی خدا و نماینده خدا نباشد، اطاعت از آن مرکزی که آن مرکز قدرت پروردگار الهام نگرفته باشد؛ این در حد شرک است یا خود شرک است، برای خاطر این که ولو مردمی که این کار را انجام می‌دهند و مبتلای به این درد، به این بلا، به این نابسامانی بزرگ اجتماعی هستند؛ در کارهای شخصی خودشان آدم‌های مرتب و منظمی باشند؛ با پروا،

پرهیزکار، مراقب، اما این بلای بزرگ موجب می‌شود که خدای متعال نظر لطف و رحمت را از این امت برگیرد، آنان را معذب، معقب و مبتلای به نعمت خود قرار می‌دهد. این حدیث است.

برای خاطر این است که اطاعت غیر خدا، عبودیت غیر خدا، منافی است با آن هدفی که خدا انسان را برای آن هدف آفرید. منافی است با تکامل و تعالی انسان. منافی است با آزادی و وارستگی انسان، آن آزادی و وارستگی که مقدمه اوج‌گیری انسان است، که اگر آن آزادی‌ها نباشد؛ اسارت‌ها به جای آزادی، پاکیر و دامنگیر انسان باشد؛ انسان نمی‌تواند به آن پرواز موردنظر نائل بیاید. نمی‌تواند آن اوجی را که خدا برای او معین کرده است بگیرد. نمی‌تواند رشد کند. نمی‌تواند به تکامل برسد. مثل گیاهی که رویش سرپوشی گذاشته باشند، مثل گیاهی که به پایین ساقه‌اش یک سیم محکمی بسته باشند، مثل گیاهی که ده‌ها وسایل منع از رویش را در اطرافش به وجود آورده باشند، این گیاه نمی‌تواند رشد کند. وقتی رشد نکرد میوه نمی‌دهد. وقتی که میوه نداد بودنش چه فایده دارد؟! آمدنش چه اثری دارد؟! پس چرا آمد؟! چرا ظاهر شد؟! جز برای این بود که بنا بود میوه بدهد؟! اطاعت غیر خدا یک چنین آفتی است بر انسان و عبودیت غیر خدا.

پایان

تهیه شده در طرح تبیین منظومه فکری رهبری